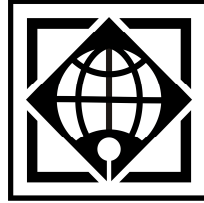




وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMAINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

گروه فلسفه

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد فلسفه

با عنوان

بررسی تطبیقی هرمنوتیک در هانس گئورگ گادامر و پل ریکور

تدوین:

عباس فدایی

استاد راهنما:

دکتر سید مسعود سیف

استاد مشاور:

دکتر عبدالرزاق حسامی فر

شهریور ۱۳۹۰

بسمه تعالی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب علی قزای دانشجوی رشته فلسفه مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان سکونت و سبک زندگی در شهرهای نوساز تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

علی قزای
۱۳۹۰/۰۶/۳۰

تذکره



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
 معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیهی هیأت داوران جلسهی دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد عباس فدایی دانشجوی رشته فلسفه تحت عنوان بررسی تطبیقی هرمنوتیک در هانس گئورگ گادامر و پل ریکور در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۹۰ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ۱۸٫۵ و درجه عالی مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبهی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر سید مسعود سیف	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۲	استاد مشاور	دکتر عبدالرزاق حسامی فر	دانشیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۳	داور خارج	دکتر بیژن عبدالکریمی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - شمال	
۴	داور داخل	دکتر علی نقی باقر شاهی	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محمد تقی آذر مینا	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	

تقدیم به:

مادرم که سخاوت دست‌های مهربانش تکیه‌گاه بی‌پناهم بوده

و

همسرم که گرمای نگاهش جانی دوباره در کالبد وجودم دمیده

چکیده:

بحث خوانش، فهم و تفسیر صحیح آثار، از دیر باز دغدغه‌ی بشر اندیشمند بوده است. از این رو هرمنوتیک گرچه به گونه‌ی امروزی از قرن ۱۷ و ۱۸ به بعد، در تاریخ فلسفه پدیدار گشته است، و لیکن اندیشه‌های تأویلی، تاریخی به قدمت اندیشه‌ی بشر دارد؛ چرا که تلاش برای فهم هر پیام و نشانه‌ای می‌تواند تلاشی هرمنوتیکی قلمداد شود. اما اندیشه‌ی هرمنوتیکی معاصر به نحو چشم‌گیری، مدیون انقلاب فکری هایدگر و چرخش هرمنوتیکی او به سبب تغییر نگرش بنیادین در امر فهم و تفسیر و نیز تربیت شاگردان و پیروان برجسته‌ای چون گادامر و ریکور است، که هر یک با مساعی خویش طرحی نو در آسمان اندیشه‌ی تأویلی معاصر در انداخته‌اند. در رساله‌ی حاضر، ضمن بررسی تحولات اندیشه‌های هرمنوتیکی، به بررسی تطبیقی آراء دو تن از نامداران هرمنوتیک پساهایدگری پرداخته و نشان داده‌ایم که این دو ضمن اشتراک و توافق در پاره‌ای از اصول هرمنوتیک فلسفی هایدگر، در برخی وجوه راه خویش را پیموده‌اند و سبک خاص خود را دارند. گادامر با قدردانی و ستایش از هایدگر در بسط مبانی هرمنوتیک وی مصمم بوده و هرمنوتیک فلسفی را قوت بخشیده است. ریکور فیلسوفی است که به حق، آینده‌ی اندیشه‌های فلسفی قرن بیستم است. وی با شجاعت و نبوغی بی‌بدیل، آراء اصیل و نابی مطرح کرده، هرچند به نحوی متواضعانه در پی تأسیس مکتب تازه‌ای به نام خویش نبوده است. او با بذل توجه به اندیشه‌ی گادامر، در مقام رفع کاستی‌های هرمنوتیک وی برآمده است، و در مواردی با تألیف برخی از آراء او (گادامر) با نظریات رقیب، توفیقاتی حاصل نموده است.

واژگان کلیدی: هرمنوتیک، هرمنوتیک فلسفی، هایدگر، گادامر، ریکور

پاسکزاری

به پاس همه‌ی زحمات و مراقبت‌های اندیشمندانه‌ی استاید فرزانه‌ام، جناب آقای دکتر سید مسعود سیف به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر عبدالرزاق حسامی فربه عنوان استاد مشاور اینجانب در به‌ثمر رساندن این پایان‌نامه، کمال پاسکزاری را دارم، و صمیمانه بهت شش سال تلمذی که در محضر ایشان و سایر استاید گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) نموده‌ام، تشکر کرده و به پاس احترام دست‌تک‌تک این عزیزان را می‌بوسم.

طریق ادب حکم می‌کند که مراتب تقدیر خویش را از استاید فرزانه‌ی فلسفه جناب آقای دکتر بشیر عبدالکریمی و جناب آقای دکتر علی نقی باقرشاهی که با تقدیر و داوری‌های روشنگرانه‌ی خویش موجبات رفع کاستی‌های این اثر را فراهم نمودند، به‌عمل آورم.

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۱..... اهمیت موضوع
- ۳..... ساختار و روش رساله
- ۷..... فصل اول:
- ۸..... واژه‌شناسی هرمنوتیک
- ۹..... اندیشه‌های تأویلی در تاریخ فلسفه
- ۱۰..... افلاطون
- ۱۳..... ارسطو
- ۱۶..... دسته‌بندی گرایش‌های هرمنوتیکی

- ۲۳..... نهضت اصلاح دینی
- ۲۵..... گذار از هرمنوتیک خاص به هرمنوتیک عام
- ۲۷..... شلایرماخر و آغاز هرمنوتیک مدرن
- ۳۰..... تأویل دستوری و تأویل روان‌شناختی
- ۳۲..... دور هرمنوتیکی شلایرماخر
- ۳۴..... ارزیابی هرمنوتیک شلایرماخر
- ۳۸..... دیلتای و نقد عقل تاریخی
- ۴۱..... فلسفه‌ی حیات در اندیشه‌ی دیلتای
- ۴۴..... تاریخمندی در اندیشه دیلتای
- ۴۶..... دور هرمنوتیکی در اندیشه دیلتای

مارتین هایدگر و ظهور هرمنوتیک فلسفی	۴۶
هستی و زمان	۴۷
ماهیت فهم و اوصاف آن در هرمنوتیک هایدگر	۵۰
تقدم فهم بر تفسیر	۵۲
پیش ساختار فهم	۵۳
دوری بودن فهم	۵۵
نتیجه	۵۷
فصل دوم	۵۸
زندگی و آثار گادامر:	۵۹
اندیشه‌های تأویلی گادامر به روایت حقیقت و روش	۶۱

۶۷	فهم به عنوان واقعه
۶۹	فهم به مثابه‌ی بازی‌های زبانی
۷۲	تاریخمندی فهم
۷۵	نقش پیش‌داوری در حصول فهم
۷۸	نقش و جایگاه سنت در اندیشه‌ی گادامر
۸۲	مفهوم افق و جایگاه آن در اندیشه‌ی هرمنوتیکی گادامر
۸۴	نقش زبان در هرمنوتیک فلسفی گادامر
۹۰	هرمنوتیک فلسفی و تفسیر متون
۹۳	مفهوم کاربرد و نقش آن در فرایند فهم
۹۴	نقادی هرمنوتیک فلسفی گادامر

۹۶.....	انتقادات بتی و هیرش
۱۰۰.....	انتقادات هابرماس بر هرمنوتیک فلسفی گادامر
۱۰۳.....	نتیجه
۱۰۵.....	فصل سوم
۱۰۹.....	مفهوم تأمل در اندیشه‌ی ریکور
۱۱۰.....	تمایز زبان و گفتمان
۱۱۲.....	تفاوت بین گفتار و نوشتار
۱۱۳.....	نظریه‌ی تفسیری پل ریکور
۱۱۷.....	فلسفه‌ی ترجمه
۱۲۱.....	نتیجه

فصل چهارم..... ۱۲۲

وجوه تشابه ۱۲۳

وجوه تفارق..... ۱۳۱

جمع بندی و نتیجه گیری کلی..... ۱۴۰

فهرست منابع..... ۱۴۲

مقدمه

سپاس خدایی را که قوتی عطا نمود تا این کم‌ترین نوآموز مکتب معرفت، این بارِ گران را افتان و خیزان به سرمنزول مقصود رساند، غایتی که همانا واگویی کلام ارباب معرفت است و بس، و گرنه ما کجا و کلام دشوار فلسفی کجا.

و اما هرمنوتیک!

در این هیاهوی به ظاهر پرطنین علم و تکنولوژی، فهم خویشتن و دیگری، بسان مرهمی می‌تواند قلمداد شود، که از اضطراب و دلهره‌ی، ناشی از نهیلیسم تکنولوژیک فرو کاهد؛ چرا که گوهر انسانی دزاین، فهم است و فهمیدن برای او به مثابه‌ی توسعه‌ی خویشتن است؛ و اما خویشتن‌شناسی محقق نمی‌شود مگر در پرتو شناخت آثار و احوال دیگری. از این‌رو پای هرمنوتیک به میان می‌آید. علمی که اگر رسالت واقعی آن را بشناسیم، در حقیقت چیزی جز، تفسیر انسانیت انسان از رهگذر ذوق و خلاقیت ادبی و هنری او نیست.

اهمیت موضوع

هرمنوتیک، به عنوان یکی از شاخه‌های معرفتی فلسفه جدید و معاصر، به شایستگی جاه و منزلتی یافته و میدان‌دار عرصه اندیشه‌ی قرون اخیر گردیده، جاه و منزلتی که برتافته از دغدغه‌های دلسوزانه‌ای است که طریق حصول فهم و اجتناب از سوء فهم را برای آدمی به ارمغان آورده است.

و اما اضطرابِ خُرد ما و دغدغهِ کلانِ هرمنوتیست‌ها! حقیقت چیست؟ و حق با کیست؟ فرایند حصول فهم چگونه است؟ آیا «سوء فهم» اصل است و «فهم»، استثناء؟ آیا روش را به ساحت فهم راهی هست؟ آیا فهم را سازشی با تبیین، تصور توانیم کرد؟ و هزاران سؤال ...

موارد فوق‌مشتی است از خروار سؤالاتی که روح و اندیشه‌ی بزرگ مردانی را در طول تاریخ اندیشه‌ی آدمی، اسیر و معطوف به خود کرده است. کسان و نحله‌های بی شماری در مقام پاسخ به این سؤالات، اندیشه ورزی نموده‌اند و طریقتی بر جای گذارده. برخی چون آگوستین دغدغهِ فهم کلام الهی داشته‌اند و برخی چون شلایرماخر دغدغهِ فهم عام. برخی چون نیچه با شوریدگی دیونوسیوسی، اساس فهم را بر پیش‌فهم و پیش‌داوری‌های تاریخی استوار می‌دیدند، و برخی چون گادامر با الگوی دیالوگ افلاطونی، فهم را امتزاج افق گذشته و حال.

آنچه ذهن نگارنده را مشغول خود نموده، همین اختلاف آراء در باب تأویل است. پرداختن به وجوه تشابه و تفارق آراء اندیشمندان و صاحب نظران، از آن جهت خوشایند است که ضمن درک هرچه بهتر معانی نهفته در کلام ایشان، می‌توان حرکت‌های روبه جلو و توفیقات آن‌ها را به نحو شایسته‌تری ارزیابی نمود.

تطبیق آراء هرمنوتیکی گادامر و ریکور، برای ما از آن حیث، حایز اهمیت بوده است که تفکر هر دو فیلسوف ریشه در مبنای مشترکی دارد؛ چرا که هر دو متأثر از هایدگرند و با افق فکری وی مانوس. هرچند گادامر وفادارانه به مبانی فکری اولیه‌ی خویش پایبند می‌ماند و در پرورش ایده‌ی اولیه‌ی هرمنوتیک فلسفی می‌کوشد، ریکور با تماشای طیف وسیع اندیشه‌های قرن بیستم، حریصانه طعم هر یک را می‌چشد و فکورانه به نقد، تألیف و ترکیب آن‌ها می‌پردازد. وی هرگز با جزمیت و تعصب به مبانی فکری خویش ننگریست و همواره با در معرض نقد نهادن آن‌ها در پرتو اندیشه‌های رقیب سعی در اصلاح، تعدیل و حتی تألیف و ترکیب آن‌ها داشت. از این‌رو بررسی تطبیقی هرمنوتیک ریکور و گادامر،

ضمن روشن‌تر نمودن زوایای فکری هرمنوتیک فلسفی، می‌تواند از سویی نقاط ضعف و معضلات مبنايي و از سوی دیگر راه برون رفت از آن را نشان دهد.

ساختار و روش رساله

رساله‌ی پیش رو مشتمل بر مقدمه، چهار فصل و نتیجه‌گیری است. عنوان این رساله «بررسی تطبیقی هرمنوتیک در گادامر و ریکور» خود گواه رسالت آن است. هدف کلی ما در این رساله احصا و بررسی مهم‌ترین وجوه تشابه و تفارق اندیشه‌ی هرمنوتیکی هانس گئورگ گادامر و پل ریکور به عنوان دو تن از هرمنوتیست‌های مهم هرمنوتیک فلسفی در قرن بیستم است. از این‌رو چنان‌که رسم تحقیق ایجاب می‌نماید، در راستای فراهم آوردن مقدماتی جهت تقریب و تنویر ذهن خواننده نسبت به تاریخ اندیشه‌های تأویلی و جریان‌های متفاوت فکری این عرصه، در فصل اول ضمن ریشه‌یابی لغوی هرمنوتیک، تاریخ پُرفراز و نشیب آن را از نظر گذرانده و به احصا نحله‌های فکری و گرایش‌های مختلف و متنوع تأویلی خواهیم پرداخت. در فصل مذکور خواننده با هرمنوتیک متون مقدس (هرمنوتیک کلاسیک) و دغدغه‌های تفسیری مفسران کتب الهی عهدین (قدیم و جدید) آشنا می‌شود، و ضمن اطلاع از کیفیت ظهور نهضت اصلاح دینی و همچنین مساعی تفسیری عالمان فقه‌اللغه، با ظهور مکتب هرمنوتیک رمانتیک و دغدغه‌های هرمنوتیکی بانی آن شلایرماخر آشنا می‌گردد. پرداختن به اندیشه‌ی شلایرماخر به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین هرمنوتیست‌های تاریخ فلسفه و تأثیر شگرف وی بر هرمنوتیک فلسفی، بسیار ضروری می‌نماید؛ چرا که وی با هدف ارائه‌ی قواعد و اصول عام تفسیر جهت تفسیر نسبتاً معتبر و عینی همه‌ی متون، اعم از متون مذهبی و غیر مذهبی، از رهگذر شناخت نیت

و مقصود مؤلف، اساسی را پی افکند که باعث شد پیروان وی از دیلتای گرفته تا بتی و هیرش، با محور قرار دادن نیت نگارنده و مؤلف در تفسیر متون و تکیه و تأکید بر تفسیر روشمند، طالب تفسیر عینی متن گردند و همواره به عنوان حریمی قدرتمند مقابل هرمنوتیست‌های فلسفی قد علم کرده و حتی به نقد آن‌ها پردازند.

یکی دیگر از مقدمات و زمینه‌های ورود به بحث اصلی رساله، آشنایی با اندیشه‌ی هرمنوتیکی هایدگر و تحقق چرخش هرمنوتیکی، در آراء او به عنوان مُبدِع و مؤسس هرمنوتیک فلسفی است. هایدگر با روی برگرداندن از معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و توجه به هستی‌شناسی از رهگذر پدیدارشناسی وجودی دزاین و تکیه بر تاریخمندی فهم و پیش‌ساختار فهم از سویی و تأکید بر زبانمندی هستی و فهم و نیز ناکارآمد خواندنِ توسل به روش در حصول فهم، چرخشی را در هرمنوتیک ایجاد نمود که ضمن بی اعتبار کردن سنت تفسیری گذشته (به قول هیرش) سنگ بنایی شد جهت بالندگی و رشد هرمنوتیک فلسفی در اندیشه‌ی بزرگانی چون گادامر، ریکور، دریدا ...

در فصل دوم که به نوعی سرآغاز مباحث مد نظر رساله است. به آراء و نظریات گادامر به عنوان یکی از شاخص‌ترین فیلسوفان هرمنوتیک فلسفی، که به حق در بسط آموزه‌های هایدگر نقش مهم و غیر قابل انکاری داشته، خواهیم پرداخت. وی با تأکید بر طرد و نفی روش، در حصول فهم، رسالت هرمنوتیک خود را نه ارائه‌ی طریقی جدید در تفسیر، که هستی‌شناسی فهم و تحقیق پیرامون کیفیت حصول و شرایط وجودی آن می‌دانست. او با استمداد از آموزه‌هایی چون: موقعیت هرمنوتیکی، تاریخمندی فهم، تأثیر پیش‌ساختار فهم و نقش بنیادین پیش‌دانسته‌ها و پیش‌داوری‌های مفسر در عمل فهم و تفسیر، به نحوی مصمم راه هایدگر را ادامه داد. گادامر با خرسندی و اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ی خویش، نظریه‌ی هرمنوتیکی خود را، نظریه‌ای عام و همه شمول قلمداد می‌کرد که همه‌ی تجلیات و مظاهر علوم انسانی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ و بر این باور بود که در سایه‌ی نظریه‌ی تفسیری او

(امتزاج افق‌ها) که با توجه به منطق پرسش و پاسخ و گفتگوی آزاد بین مفسر و متن صورت می‌گیرد، می‌توان به تفسیر همه‌ی شئون و تجلیات آثار هنری، تاریخی و حتی اجتماعی دست یافت. در پایان این فصل برخی از انتقادات مهمی را که بر گادامر وارد نموده‌اند را نیز آورده‌ایم تا از زاویه‌ی دید منتقدان باریک اندیش، اندیشه‌ی وی بهتر از پیش مکشوف گردد.

در فصل سوم به یکی دیگر از فیلسوفان مدّ نظر رساله می‌پردازیم. پل ریکور اندیشمند پرکاری است که با نقد و بررسی آراء بسیاری از متفکرین قرن بیستم و تلاش جهت ایجاد سازش بین آن‌ها به حق لقب «فیلسوف گفتگو» را یدک می‌کشد. از برکات این خصلت مکالمه محورانه‌ی هرمنوتیک ریکور، یکی این‌که در طرح و تدوین نظریه‌ی تفسیری خویش (قوس هرمنوتیک) از دستاوردهای متنوع متفکرین قرن بیستم کمال استفاده را می‌برد و دیگر این‌که با استمداد از خصلت مذکور، از سویی در مقام اجتناب از مشکلات هرمنوتیک فلسفی گادامر و نقدهای وارد بر آن است، و از سوی دیگر با ایجاد پیوند بین «فهم» و «تبیین»، بین هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سازش ایجاد می‌کند.

در فصل چهارم که در حقیقت، نتیجه و ثمره‌ی بحث‌های پیشین رساله است. به احصا مهم‌ترین وجوه اشتراک و وجوه افتراق آراء هرمنوتیکی گادامر و ریکور می‌پردازیم. در این فصل نشان خواهیم داد که تأثیر هایدگر بر تفکر این دو فیلسوف در بسیاری از جهات سبب اتفاق نظر و اشتراک مواضع آن دوست است. اما تأثیرپذیری ریکور از خیل عظیمی از اندیشمندان معاصر خویش، از روانکاوی فروید گرفته تا ساختارگرایی سوسور و زبان‌شناسی آستین و نشانه‌شناسی بنونیست، همه و همه در افتراق و جدایی ریکور از هرمنوتیک گادامر و پشت کردن به هرمنوتیک فلسفی به طور کلی متمرّ ثمر بوده‌اند.

این قول استاد گرامی‌ام دکتر سیف که می‌فرمود: «پایان‌نامه در واقع پایان بی‌ثمرگی و آغاز نوشتن و تولید است» همواره به رایم دلگرمی و قوت قلبی بود که اهل قلم و ارباب معرفت بر نوآموزان و

تازه‌کاران خرده نمی‌گیرند. باشد که عزیزان اهل خرد با لحاظ این نکته بر خطاهای بی‌شمار ما سهل
گیرند.